

تلفن دفتر مرکزی: ۰۲۱۳۳۰ - ۰۸۱ | **امور مشترکین:** ۰۹۱۸۳۱۶۸۵۷۴
صاحب امتیاز روزنامه: ۰۹۱۸۸۱۲۱۵۴۱ | **آگهی ها:** ۰۸۱ - ۳۸۲۵۰۴۰
پيامک: ۰۸۱۸۱۸۱۶۰ | **ارتباط با تحریریه:** ۰۲۱۳۸۲۷۲۹۶۹ | **دورنما:** ۰۸۱-۳۸۲۸۱۸۴۹
گستره توزیع: استان‌های ایلام - کرمانشاه - کردستان - مرکزی - همدان |

امام علی علیه‌السلام فرمودند: دانش، میراثی است گرانمایه و آداب، زیورهایی نو به نو و اندیشه، آینه‌ای صافی است.

www.sepehrgharb.ir Email: sepehrgharb.news@gmail.com sepehrgharb_live



روزنامه صبح غرب کشور

صاحب امتیاز: مسعود جوادندل | مدیرمسئول: سید حسن قشمی | سردبیر: زهره پوروهایی | چاپ: پیام رسانه | نشانی تحریریه: همدان، خیابان پاستور، کوچه شهید عزیزبان، پلاک ۵۹

پیشکسوت همدانی موسیقی سنتی:

هنرجویان حوصله‌وذوق ندارند



سپهرغرب، گروه فرهنگی – طاهره ترابی‌مهوش؛ پیشکسوت همدانی موسیقی سنتی با بیان اینکه متأسفانه امروزه هنرمندان جوان آن ذوق و حوصله‌ای که ما برای آموختن بیشتر داشتیم را ندارند، گفت: به‌خاطر دارم بنده برای بهره‌مندی از یک ساعت کلاس درس اساتید تهرانی (بنا به محدود بودن اساتید و درعین‌حال عدم شناخت آن‌ها) رنج چندین‌ساعت سفر با اتوبوس‌های بنز از همدان را به جان می‌خریدم. موسیقی اصیل و سنتی ایرانی سال‌ها است که کمی تا قسمتی به حاشیه رفته و متن را به دیگر انواع خود واگذار کرده است، هرچند بخش زیادی از این واگذاری به ذائقه مخاطب و تجاری شدن بسیاری از ساختارها ازجمله موسیقی، مربوط است.

به دیگر سخن تا چند دهه پیش موسیقی اصیل و ایرانی در زندگی مردم نقشی پُررنگ داشت، اما اکنون جایگاه خود را از دست داده، به‌طوری که فاصله آنچه این‌روزها به‌عنوان موسیقی اصیل می‌شنویم با آنچه در قدیم وجود داشت، از زمین تا آسمان است. به‌گونه‌ای که گاهی بهتر می‌بینیم که وسط پخش یک موسیقی آن را خاموش کرده و حتی اجازه ندهیم فرزندانمان به آن گوش فرا دهند و این درحالی است که اساتید نامداری به‌ویژه در همدان در این حوزه فعالیت دارند. بر این اساس بر آن شدیم تا گفت‌وگویی را با علی آقامحمدی، استاد موسیقی سنتی و درعین‌حال رئیس انجمن موسیقی استان همدان ترتیب دهیم که در ادامه می‌خوانید:

استاد موسیقی سنتی با بیان اینکه متولد سال ۱۳۵۹ در همدان است، گفت: فعالیت در عرصه موسیقی را از حدود سال ۱۳۷۴ آغاز کردم و طی نزدیک به ۲۸ سال گذشته در عرصه موسیقی سنتی یعنی نوازندگی تار و سه‌تار، فعالیت داشته و دارم.

علی آقامحمدی با تأکید بر اینکه ساز تخصصی من سه‌تار است، اظهار کرد: سال‌ها پیش کارم را نزد استاد مرادیان، از نوازندگان صاحب‌نام موسیقی سنتی در همدان آغاز کردم.

وی ادامه داد: پس از دوسال با راهنمایی

سپهرغرب، گروه فرهنگی؛ رهبر انقلاب در دیدار رضائی شاعران و اساتید زبان فارسی با اشاره به ظرفیت‌های امروز جامعه شعری کشور بر وظیفه هنرمندان در برابر تاخت و تاز دشمن در جنگ نرم تأکید کردند و فرمودند: «اشما اگر ندانید دشمن از کجا می‌خواهد حمله کند، دُور می‌خورید؛ اگر ندانید هدفش تصرف کجا است، بتواند شما را فریب بدهد، دُور می‌خوردید. باید بدانید، در جنگ نرم هم همین‌جور است؛ باید بدانید دشمن چه کار می‌خواهد بکند، آماجش کجا است، هدفش چیست

و بشناسید روشهای او را؛ این را همه باید بشناسند و مقابله کنند، اِقتا از همه لازم‌تر، مجموعه‌ی هنرمندند، مجموعه‌ی فرهنگی‌اند؛ شاعر، نقاش، داستان‌نویس، سینماگر، معمار، اینهایی که در مسائل مختلف فرهنگی هستند، باید بدانند امروز ما در مقابل این غارت دشمن و تاخت‌وتاز دشمن قرار داریم؛ هم خودشان باید توجّه کنند، صحنه را

درست درک کنند، هم به دیگران بایستی بنمایاند؛ باید همه را [آگاه] کنند. متغعل نباید بنشوند.» ۱۶/۰۱/۱۴۰۲ گفت‌وگویی با سرکار خانم لیلاحسین‌نیا از شاعران تبریزی انجام شده که در دیدار رضائی امسال شاعران نیز به شعرخوانی پرداختند. نقش امروز شاعران انقلابی در مقابله با هجمه دشمن، جایگاه شعر در تقویت نهاد خانواده و موضوع حیا در شعر موضوعاتی است که در این گفت‌وگو مورد بررسی قرار گرفته است.

■ **«وطن بسوزد و من در خروش و جوش نباشم؟! خدا کند که بمیرم وطن‌فروش نباشم!»**

این مصرع، مطلع غزلی بود که شما در دیدار امسال در حضور رهبر انقلاب خواندید. چرا موضوع وطن را برای سرودن انتخاب کردید؟

* وطن اسلامی‌مان تمام داشته و خواسته‌ی ماست. فکر می‌کنم وقتی در شعر درباره‌ی عاطفه‌ی

خانواده ایرانی، خاستگاه بخش مهمی از شعر معاصر است

اجتماعی صحبت می‌کنیم، مهم‌ترین و اصلی‌ترین نمودش در مسئله‌ی وطن پدیدار می‌شود. یکی از وظایف مهم شاعر انقلابی کشش در مواقع حساس است. این وظیفه را از شعر استاد شهریار آموخته‌ام که در بزنگاه‌های سیاسی و اجتماعی شاعری کرده و متغعل نبوده است. شما شعر شهریار را از جهت کشش‌ها در بزنگاه‌ها بررسی کنید، متوجه این نکته خواهید شد. الگویی که استاد شهریار ارائه می‌کند، شاعر‌کشش‌گرا است، نه شاعر متغعل. این می‌تواند الگویی تأمل‌برانگیز برای شاعران انقلابی باشد. این شعر را در ایام اعتصابات پاییز سرودم. خوب به‌خاطر دارم که خبر رفتن یکی از هنرمندان

را خواندم و زیرلب گفتم: «ا خدا کند که بمیرم، وطن‌فروش نباشم.» این شد شروع این غزل. * در دیدار امسال دیدیم که بعضی از شعرا درباره‌ی نقش‌های زنانه اشعاری سروده‌اند، شعر امروز چقدر در خدمت نهاد خانواده است؟ * هیچ چیز به اندازه‌ی شعر نمی‌تواند سبک زندگی اصیل و هویت‌مند ایرانیان را سست کند. شما این کلمات را ببینید: خانه، باغچه، سیب، حوض، چادرنماز، قالی، ترمه، پنجره و... این واژگان در عین حال که در شمار لطیف‌ترین و شاعرانه‌ترین واژگان شعر صد سال اخیر است، عناصر اصلی خانه و خانواده‌ی ایرانی است؛ بنابراین می‌توان گفت خاستگاه بخش مهمی از شعر معاصرمان خانه

و خانواده‌ی ایرانی است. معتقدم این موضوع ناخودآگاهی ارزشمند در شعر ماست. اگر این بخش از شعر ارج نهاده شود، می‌تواند بسیاری از حوزه‌های فکری دیگر را جهت بدهد. گاه خاطراتی که غزلی پنج‌پیتی زنده می‌کند، می‌تواند مالکان خانه‌ای قدیمی را از تخریب منصرف کند؛ شعری برای مادرِبزرگ می‌تواند به عیادت و دلجوایی فرزندان و نوه‌ها بینجامد.

■ **آیا می‌توانیم شعری را که در حوزه‌ی خانواده سروده شده، در زمره‌ی اشعار اثبات حساب کنیم؟**

* اصطلاح شعر آئینی می‌تواند حامل طیف

گسترده‌ای از مفاهیم باشد. از شعر دینی صرفاً مفاهیم مربوط به ولادت و شهادت حضرات معصومین را در نظر می‌گیریم؛ اما مباحث گسترده‌ی آئینی را نادیده می‌انگاریم. همه‌ی مناسک زندگی دینی و ملی‌مان که من البته این دو را از هم جدا نمی‌بینم، می‌تواند بخشی از طیف ادبیات آئینی باشد، مثلاً وقتی شعری نذری پختن را به‌تصویر می‌کشد، بخشی از ادبیات اثنی‌را در پوشش می‌دهد و البته مناسک خانوادگی هم در این حوزه است.

از طرفی شعری را تصور کنید که روابط خانوادگی اثمی‌ای اظهار را بیان می‌کند، مثلاً ارتباط حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها با همسر و فرزندانش، این شعر علاوه بر الگوسازی در حوزه‌ی خانواده، شعری در حوزه‌ی ادبیات دینی نیز محسوب می‌شود. بیان هنری مسائل قطعاً در تأثیرگذاری‌اش نقش دارد. همین نکته را بارها در رهنمودهای رهبر انقلاب دیده‌ام که بیان هنری تمدن‌ساز است.

وقتی مادری رابطه‌ی خود و فرزندش را در شعر

به‌تصویر می‌کشد، به‌عنوان رسانه‌ای تأثیرگذار رفتار می‌کند. وقتی شاعری درباره‌ی جایگاه پدر شعر می‌گوید، ذهنیت مخاطب را به‌سمت روابط خانوادگی می‌کشاند. هرچقدر این بیان زیباتر باشد، می‌تواند تأثیرگذارتر نیز باشد. چیزی که صدها کلاس و مقاله در حوزه‌ی خانواده شاید نتوانند به

مرا اسکن کنید

■ **چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲**

■ **سال سیزدهم ■ شماره ۲۵۶۷**

www.sepehrgharb.ir Email: sepehrgharb.news@gmail.com sepehrgharb_live

نماینده‌گی‌های سپهرغرب

در استان‌ها

عاطفه آزاد پور (ایلام): ۰۹۱۸ ۹۴۳ ۴۹۰۴

فرزاد منتی (کرمانشاه): ۰۹۱۸ ۱۳۰ ۲۷۲۹

شیرین مرادی (کردستان): ۰۹۱۸ ۸۷۷ ۶۹۸۴

مبینا یاحقی(مرکزی): ۰۹۹۰ ۱۷۹ ۴۹۰۹

www.sepehrgharb.ir Email: sepehrgharb.news@gmail.com sepehrgharb_live

را در قالب ارکستر مجلسی تشکیل دهم و در این گروه تلاش کردیم آرام‌آرام به استانداردهای جهانی ارکستر نزدیک شویم. آقامحمدی با بیان اینکه بیش از ۱۸ سال سابقه تدریس دارم، اذعان کرد: خوشبختانه از طریق انجمن به دنبال برگزاری یک جشنواره ملی به‌نام جشنواره ملی پور سینا در همدان هستیم که مقدمات آن فراهم شده و انشاءالله مردادماه در همدان برگزار خواهد شد. مع‌الوصف: با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد موسیقی سنتی نیز همچون دیگر بخش‌های هنری با وجود لطافت مورد نیاز در عرصه آموزش، گرفتار فرآیند آموزشی خشک طریق سازمان فنی و حرفه‌ای شده که این مهم خود خطر بالقوه‌ای برای این هنر به حساب می‌آید. زیرا در این صورت هرکس با گذراندن چندماه دوره آموزشی، خود را مدرس قلمداد کرده و اقدام به دایر کردن آموزشگاه خواهد کرد و این یعنی افول فرهنگ در چنگال خشن فضای اقتصادی!

می‌توان با انعکاس این تصاویر از زندگی حضرت صدیقه اراته کرد. یکی از مشکلات اساسی ما در همه‌ی شئون شعر آئینی و خصوصاً در حوزه‌ی زنان، ابستایی است. باز هم اگر بخواهم از تجربه‌ی شخصی بگویم، برای من روایت و داستان‌پردازی نوعی تحرک در شعر آئینی بوده؛ مثلاً روایت آزادشدن کبیرز به‌دست حضرت امام‌حسن علیه‌السلام در قبال شاخه‌ی گلی را در چهارپایه‌ای به تصویر کشیده‌ام، یا داستان هجوم درزان خانه‌ی حضرت امام‌هادی علیه‌السلام و استقبال ایشان با چراغ را. نمی‌گویم این کارها تنها و قطعی‌ترین راه است. برای پویایی شعر آئینی به‌اشتراک گذاشته شود. ■ **اشعار عاشقانه‌ای هست که به نظر می‌رسد به‌بانه ذوق شعری، حدود را کمتر رعایت می‌کنند. در خصوص بحث حیا در شعر بگویید.**

* متأسفانه در سال‌های اخیر جریان با القای مفاهیمی به شعر زنان، این اشعار را حیزادی کرده‌اند. بهانه‌ی اصلی این جریان و نگاه این بود که زن باید شعر زنانه بگوید و زنانگی در تفسیر این جریان صرفاً برجسته‌سازی مسائل جنسی بود. در این نگاه، شعر هرچه عریان‌تر، اصطلاحاً لایک‌خورتر! متأسفانه فضای مجازی در فضاسازی این جریان نقش ایفا کرد. این جریان شاعر زن را در راهرویی زندانی کرده بود که یک سرش بیان انزجار از خانه بود و سر دیگری اتاق خواب! یعنی زن معیار باید از چهارچوب خانواده گریزان می‌شد و تنها به بیان مسائل جنسی می‌پرداخت. این تصویر از زن بی‌نهایت منزجرکننده و بیچاره است! بعضاً صفحات برخی از این زنان شاعر را می‌بینم و واقعاً دلم می‌سوزد؛ حقیقتاً برای جلب مخاطب چقدر باید از هنر بکاهند و به چیزهای دیگر بیافزایند! البته این شاعر هم تاریخ مصرفی دارد. به هر حال کسی پیدا می‌شود که قدم بعدی را بردارد و یک مرحله در پرده‌دری پیش‌تر برود.

اینجا مسئله حدود شعری نیست؛ بلکه مسئله حیزادی‌ای از ادبیات است. شعر عاشقانه، قرن‌ها در ادبیات فارسی محمل بیان لطیف‌ترین عواطف عاشقانه بوده؛ ولی همواره پردی حیا را حفظ می‌کرده است. شعر زنانه نباید در حصار جنسیت‌زدگی بنماید و خود را معطوف به این مفاهیم کند. بیان باحیای مفاهیم عاشقانه، شعر زنان را اعتنا می‌بخشد. نمونه‌های درخشانی از این نوع شعر در جریان چهل سال شعر انقلاب خلق شده است. کم نداریم شاعران زنی که عاشقانه نوشته‌اند. می‌خواهم بگویم این‌طور نیست که از بار عاشقانه‌ی شعر محجوب کاسته شود. تجربه نشان داده است که اتفاقاً وقتی شعر عاشقانه محجوب و متین و عقیف است، زیبایی دیگری با خود دارد. تصور کنید این شعر عاشقانه قرار است واگویی‌ی عاشقانه‌ی هزاران مخاطب به‌دنبال باشد. شعر عقیف بیانگر عشق عقیف است.

سرانجام برسانند، یک قطعه شعر به‌راحتی انجام می‌دهد؛ البته از یک طرف هم ما باید به کیفیت اثری که ساخته می‌شود، توجه کنیم. وقتی شعری برای بیان چنین مفاهیمی خلق می‌شود، باید دارای بیشترین استانداردهای شاعری باشد.

یکی از آسیب‌هایی که ما متأسفانه در ادبیات آئینی داریم، همین نکته است. شاعری که وارد این عرصه می‌شود، تنها برای بیان ذهنیات خود وارد نمی‌شود؛ بلکه مسئولیتی نیز بر دوش اوست؛ مخاطب عمومی، جریان شعر آئینی را می‌بیند و از لحاظ کیفیت با سایر جریانات شعری مقایسه می‌کند. وقتی شعر آئینی ضعیف باشد، دچار ایرادات زبانی و ادبی و... باشد، نمی‌تواند مسئولیت سرپرست آئینی شعر را بر عهده بگیرد. به نظر می‌رسد شاعر آئینی باید چند برابر بیشتر از شاعران دیگر در بهبود کیفیت اثر خود تلاش کند.

■ شعر آئینی چه پيامی می‌تواند برای زن امروز جامعه‌مان داشته باشد؟

* شعر دینی ما در ارائه‌ی الگو به زنان نقش مهمی دارد. شاعران هنگامی که بتوانند دجوه مختلف زندگی زنانی چون حضرت صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیها، حضرت زینب کبری سلام‌الله‌علیها و حتی چهره‌هایی مانند حضرت نرجس خاتون، مادر حضرت ولیعصر و حکیمه خاتون، عمه‌ی ایشان علیهما السلام و نقش این چهره‌ها در جریان گسترش تفکر شیعی را بیان کند، می‌تواند در همه‌هی الگوهای منحنط غربی، فضای تنفسی ایجاد کند.

نمی‌خواهم صرفاً شعار بدهم؛ تجربه‌ی شخصی و ریسسته‌ی من در سرودن اشعاری برای زنان واقعی‌ه کربلا عینی است. در برهه‌ای تصمیم گرفتم برای زنان واقعی‌ه خاتونرا از جمله حضرت رباب و حضرت ام‌البنورا از جمله بگویم. این سرایش برای خودم جنبه‌ی مطالعاتی داشت. یعنی در ابتدای راه مطالعه‌ای که درباره‌ی شخصیت و سلوک این بانوان انجام می‌دادم، روشنگری‌ای برایم ایجاد شد. قصد نوشتن شعر کوششی نبود؛ اما با خواندن و آشنایی با این حیات و این بانوان، شعر در من می‌جوشید. شاید موفق‌ترین شعرهای عاشورایی‌ام همین شعرها باشد. آشنایی با زندگی حضرت رباب تأثیر عمیقی در شعرهای آئینی‌ام گذاشت. این مسئولیتی مضاعف برای زنان شاعر است.

گمان می‌کنم ما گاهی دچار ایستایی در بیان مفاهیم شعر آئینی می‌شویم، یعنی فقط فاطمیه را می‌گیریم و شعرمان را معطوف به واقعه‌ی شهادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها می‌کنیم. یادمان می‌رود ایشان به‌عنوان اولین بانوی شیعه، مهم‌ترین نقش را در جریان‌دهی تفکر شیعه داشته‌اند. چرا مثلاً خطبه‌ی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را دستمایه‌ی خلق اثر ادبی قرار دهیم؟! مثلاً چرا صحنه‌ی خطبه‌خوانی ایشان را به شعر نکشیم؟! مگر جامعه‌ی امروز به‌دنبال سیمایی همه‌جانبه از زن نمی‌گردد؟ این سیمای